کشته شدن زن جوان پس از طلاق

گروه حوادث - معصومه مرادپور/ مرد جوانی که به دنبال مشاجره شدید، همسر سابقش را خفه کرده و بعد هم دست به خودکشی زده اما نجات یافته بود، دیروز در شعبه چهارم دادگاه کیفری استان تهران به ریاست قاضی اصغر عبداللهی و با حضور محمود کیخواه - مستشار دادگاه - محاکمه شد.زن جوان شامگاه بیست و پنجم دی سال ۹۳ در خانه همسر سابقش واقع در شرق تهران به قتل رسید. به دنبال اعلام این جنایت، بازپرس کشیک قتل و مأموران پلیس با حضور در محل وقوع حادثه با جسد «نرگس» - ۲۹ ساله - در آشپزخانه روبه‌رو شدند.

پیکر نیمه جان شوهر این زن که بر اثر استنشاق گاز دچار خفگی و بیهوشی شده بود، در گوشه دیگر خانه افتاده بود. بنابراین بهزاد بلافاصله به بیمارستان انتقال یافت و پس از به هوش آمدن، در بازجویی‌ها راز جنایت را فاش کرد.

«در حالی که به دلیل خوردن مشروب حال خوبی نداشتم، با همسر سابقم بر سر حضانت پسرمان جر و بحث کردم. هنگام مشاجره او به طرف آشپزخانه دوید اما پایش سر خورد و زمین افتاد. من که از شدت عصبانیت گرفتار جنون شده بودم، کنارش زانو زدم و با یک متکا آنقدر روی صورتش فشار آوردم که از نفس افتاد.

چند ثانیه بعد به خودم آمدم و وقتی فهمیدم مرده، به وحشت افتادم و سعی کردم با تنفس مصنوعی نجاتش دهم اما خیلی دیر شده بود و بعد هم به فکر مردن افتادم.برای همین شیر گاز آشپزخانه را باز کردم تا خودکشی کنم. در همان حال که بشدت نگران سرنوشت پسرمان بودم، با خواهرم تماس گرفتم و از او خواستم مراقب پسرم باشد و بعد منتظر ماندم تا با انتشار گاز بمیرم، اما انگار خواهرم از پلیس کمک خواسته بود که نجات یافتم.»

در دادگاه

مأموران صبح دیروز مرد جوان را از زندان به دادگاه کیفری تهران بردند تا محاکمه شود. در آغاز جلسه دادگاه پدر و مادر مقتول برای دامادشان درخواست قصاص کردند، سپس این جوان در برابر قضات دادگاه ایستاد تا از خود دفاع کند.

«سه سال قبل از حادثه به خاطر موضوعات مختلف با همسرم اختلاف پیدا کردیم. او علاقه‌ای به ادامه زندگی با من نداشت تا اینکه طلاق گرفت. آن زمان پسرم ۴ ساله بود. مدتی گذشت تا اینکه احضاریه دادگاه درباره حضانت فرزندمان به دستم رسید که دادگاه حضانت را به من داده بود. پس از چند ماه «نرگس» را مقابل دادگاه دیدم و دوباره پس از کلی حرف زدن او را راضی کردم به سرزندگی مشترک برگردیم. صبح روز حادثه هم به خرید رفتیم اما پس از برگشتن به خانه با هم مشاجره کردیم و او گفت که حضانت پسرمان را می‌خواهد. بعد هم خواست از زندگی‌اش برای همیشه بیرون بروم که من عصبانی شدم. او از دستم فرار کرد و من به دنبالش دویدم اما در حال فرار پایش لیز خورد و به زمین افتاد، من هم با متکایی که در دست داشتم او را خفه کردم. آنقدر عصبانی بودم که نمی‌دانستم چه کار می‌کنم. چند ثانیه بعد وقتی به خودم آمدم دیدم زنم دیگر نفس نمی‌کشد و مرده است. اول فکر کردم به شوخی خودش را به مردن زده اما مرگش واقعی بود و بدنش داشت سرد می‌شد.خیلی ترسیده بودم. به او تنفس مصنوعی دادم اما هیچ فایده‌ای نداشت. از پشیمانی فکر خودکشی به سرم زد. شیر گاز را باز کردم تا خفه شوم. پس از تماسی کوتاه با خواهرم دست سرد و بی‌حرکت زنم را گرفتم و در کنارش دراز کشیدم و به انتظار مرگ ماندم. اما در آخرین لحظات مأموران سر رسیدند و نجاتم دادند.

من همسرم را دوست داشتم و اگر با او درگیر شده بودم، به خاطر این بود که می‌خواستم من و پسرمان را رها نکند اما افسوس که...»

پس از اظهارات متهم، قضات دادگاه برای صدور حکم وارد شور شدند. قرار است بزودی رأی خود را - که طبق قانون قصاص خواهد بود - صادر کنند.

ایران

عامل جنایت در آخرین جلسه محاکمه:

مرا به خاطر پسرم ببخشید

شغلت چه بود؟

کارمند یک شرکت دارویی بودم.

زندگی‌تان به بن‌بست رسیده بود؟

او مرا دوست نداشت.

چرا باهم مشاجره می‌کردید؟

اکثر اوقات در خانه نبود، وقتی از کار بر می‌گشتم غذا حاضر نبود و به زندگی‌مان توجهی نداشت.

چرا با او درگیر شدی؟

نمی‌دانم، مشروب خورده بودم و حالت عادی نداشتم.

در حال حاضر چه درخواستی داری؟

می‌دانم حقم قصاص و مرگ است اما از پدر و مادر زنم درخواست می‌کنم به خاطر پسرم و سرنوشتش مرا ببخشند!

۱۳ کشته در تصادف دو خودرو

گروه حوادث/ تصادف مهیب نیسان و پژو ۴۰۵ در کمربندی یزد ۱۳ کشته و یک مصدوم داشت.محسن ملک ثابت مسئول روابط عمومی مرکز فوریت‌های پزشکی استان یزد با اعلام این خبر اظهار داشت: شامگاه شنبه، یک دستگاه نیسان وپژو ۴۰۵ حامل افاغنه در کمربندی یزد_مهریز (روبه‌روی استخر طلائیه) با یکدیگر برخورد کردند.به دنبال اعلام وقوع این حادثه دلخراش، بلافاصله تیم‌های امدادی با چند آمبولانس راهی محل تصادف شدند اما امدادگران پس از بررسی‌ها و معاینات لازم دریافتند ۱۳ نفر از سرنشینان دو خودرو جان باخته‌اند. تنها مصدوم نیز برای درمان به بیمارستان فرخی یزد منتقل شد.سرهنگ احمد مظفری، رئیس پلیس راه استان یزد نیز گفت: در این حادثه رانندگی که ساعت ۲۲ شنبه رخ داد، یک دستگاه خودرو پژو ۴۰۵ حامل اتباع بیگانه که به‌صورت چراغ خاموش و در جهت خلاف در شانه خاکی کنار گذر یزد(روبه‌روی پیست موتورسواری) در حرکت بود با یک دستگاه خودرو نیسان برخورد کرد.در این حادثه رانندگی تمامی سرنشینان هر دو خودرو در آتش سوختند. علت حادثه نیز حرکت خلاف جهت خودرو پژو ۴۰۵ بود.

محاکمه پسردانشجو به اتهام ۳ جنایت

گروه حوادث/ پسر کینه‌جو که در جنایتی هولناک پدر، مادر و پدربزرگش را کشته و هنگام جابه‌جایی اجساد قربانیان دستگیرشده بود صبح دیروز برای دومین بار در شعبه دهم دادگاه کیفری استان تهران به ریاست قاضی قربانزاده محاکمه شد. عامل جنایت در آخرین دفاع‌اش به قضات گفت: «طی این دوسال گرفتار کابوس مرگ بوده‌ام و دیگر هیچ انگیزه‌ای برای زندگی ندارم، می خواهم زودتر اعدامم کنید.»

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران» در این جنایت خانوادگی که شب هشتم آذر سال ۹۳ اتفاق افتاد، پسر جوانی به پلیس خبر داد که دوست دانشجویش به نام «میلاد»، پدر، مادر و پدربزرگش را کشته است. بلافاصله مأموران پلیس در صحنه جرم حاضر شدند و میلاد را هنگام انتقال اجساد قربانیان به داخل خودروی پرایدش دستگیرکردند.آن موقع میلاد جسد پدرش را در صندوق عقب خودرو قرار داده بود و می خواست اجساد مادرش و پدر بزرگ ۸۰ ساله‌اش را هم از داخل آپارتمان به درون خودرو انتقال دهد.

تحقیقات پزشکی قانونی حاضردر محل جنایت نیز حکایت از آن داشت که اعضای خانواده در ساعات پایانی شب و هنگامی که همگی در خواب بوده‌اند با ضربات چاقو از پا درآمده‌اند.

ایران

دوست میلاد که راز جنایت را برای پلیس فاش کرده بود به پلیس گفت: «شب قبل، میلاد در تماس تلفنی به من گفت از زندگی خسته شده است و می‌خواهد اعضای خانواده‌اش را به قتل برساند. بعد از شنیدن این حرف آرام‌اش کردم تا اینکه ساعت ۶ صبح دوباره زنگ زد و با خونسردی اصرار کرد به خانه‌شان بروم تا درباره موضوع مهمی با هم صحبت کنیم. وقتی با نگرانی جلو در خانه‌شان رسیدم، میلاد را دیدم که منتظرم بود.» او گفت: اعضای خانواده‌اش را به قتل رسانده است که من هم بدون اینکه متوجه شود با پلیس تماس گرفتم.

«میلاد» که از جنایت‌هایش احساس پشیمانی نمی‌کرد در بازجویی‌ها گفت: از گذشته با پدر ۶۰ ساله و مادر ۵۵ ساله‌ام اختلاف داشتم تا اینکه شب گذشته برای پایان دادن به این اختلاف‌ها تصمیم به قتل‌شان گرفتم.شب حادثه پدربزرگم هم در خانه ما میهمان بود.بنابراین منتظر ماندم تا آنها بخوابند. نیمه شب با اطمینان از اینکه خواب هستند با چاقویی به سراغشان رفتم و آنها را یکی پس از دیگری کشتم.

میلاد صبح دیروز درحالی برای محاکمه از زندان به دادگاه منتقل شده بود که خواهر، خاله و دایی‌اش برای او تقاضای قصاص کرده بودند.

میلاد وقتی پای میز محاکمه ایستاد این بار ضمن شرح ماجرای جنایت منکر اعترافات قبلی‌اش شد و گفت: زمانی که به خانه رسیدم و به اتاقم رفتم مدتی با گوشی‌ام در حال ارسال پیامک بودم که با صدای جیغ مادرم از اتاق بیرون رفتم و دیدم پدرم با چاقو بالای سر مادرم ایستاده و با هم در حال مشاجره هستند. با دیدن این صحنه عصبانی شدم و چاقو را گرفتم و به طرفش حمله کردم ولی او از من فاصله گرفت.ناگهان متوجه شدم که پدربزرگ و مادرم کشته شده‌اند. بنابراین با چاقویی که در دست داشتم پدرم را کشتم!

وکیل متهم نیز در دفاع از موکلش گفت: «مصرف ماده مخدر «شیشه» ساعاتی قبل از حادثه، موکلم را از حالت عادی خارج کرده بود. به همین خاطر او زمان وقوع قتل حالت طبیعی نداشته است و نباید قصاص شود. این درحالی بود که پزشکی قانونی، سلامت روانی عامل جنایت را تأیید کرده بود.»

در پایان محاکمه، قضات دادگاه که با انکار متهم در کشتن مادر ،پدر و پدربزرگش روبه‌رو شده بودند با اعلام ختم جلسه، وارد شور شده و بزودی حکم خود را صادر خواهند کرد.

سرقت مسلحانه نافرجام از طلافروشی

گروه حوادث / سه تبعه افغان که همراه دو مرد ایرانی با تشکیل باند سرقت مسلحانه قصد دستبرد به یک مغازه طلافروشی در آبسرد دماوند را داشتند پس از ناکامی در سرقت و در کمتر از ۱۲ ساعت به دام افتادند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، سارقان مسلح خشن، عصر جمعه با استفاده از خلوت بودن محل و با همراهی یک زن افغان که کلت کمری تقلبی در دست داشت وارد طلافروشی شدند و با تهدید قمه سعی کردند طلاهای موجود در مغازه را به سرقت ببرند اما با مقاومت طلافروش نقشه سرقت‌شان عملی نشد،این در حالی بود که دو مرد و زن افغان به عنوان خریدار به طلافروشی رفته بودند و دو مرد ایرانی هم از بیرون مغازه همراهی‌شان می‌کردند تا در صورت خطر به کمک همدستانشان بروند.

سارقان پس از عملی نشدن نقشه خود، مرد طلافروش را با ضربات قمه مجروح کردند و سپس بسرعت از محل حادثه گریختند. به گفته فرمانده انتظامی شرق استان تهران، مأموران پلیس آگاهی دماوند پس از بررسی تصاویر دوربین مدار بسته طلافروشی ردپای سارقان مسلح را به دست آورده و پس از دستگیری و بازجویی زن افغان، دو مرد افغان و دو همدست ایرانی دیگر آنها را دستگیر کردند. در ادامه نیز مشخص شد یکی از دستگیر شدگان ایرانی نیز از بستگان طلافروش است. سردار ناظری افزود: با دستگیری همه سارقان مسلح یک قبضه اسلحه کمری تقلبی و یک قمه که در سرقت نافرجام از آن استفاده شده بود کشف و ضبط شد،مرد طلافروش مجروح نیز در بیمارستان بستری است.

راز کینه دزد نقابدار از پیرزن ثروتمند

گروه حوادث/ دزدان نقابدار روز روشن وارد خانه قدیمی ویلایی زوج ۸۰ ساله در جنوب شرق تهران شدند و پس از بستن دست و پای آنها طلا و جواهرات‌شان را ربودند و پس از شکستن دست زن سالمند پا به فرار گذاشتند.

پیر مرد صاحبخانه که با زحمت زیاد موفق به بازکردن دست و پای خود و همسرش شده بود بلافاصله با پلیس تماس گرفت و کمک خواست. پس از انتقال همسر مجروح‌اش به بیمارستان او به مأموران کلانتری ۱۷۹ گفت: حدود ساعت ۲/۵ بعدازظهر من و همسرم در خانه بودیم که زنگ در به صدا درآمد. همین که در را بازکردیم دو نفر نقابدار به داخل حیاط هجوم آوردند. دهانم را محکم گرفتند و مرا به داخل خانه کشاندند.اول دست و پای مرا بستند و بعد سراغ همسرم رفتند و بی‌آنکه کلمه‌ای بر زبان بیاورند دست و پای او را هم بستند و هر دوی ما را کف اتاق خواباندند. آن دو نقابدار در سکوت کامل حتی بی‌آنکه درباره محل نگهداری پول‌ها و طلاها چیزی بپرسند اول طلا و جواهرات همسرم را از دست و گردنش خارج کردند و پس از سرقت راه افتادند بروند اما یکی از دزدان بالای سر زن بی‌دفاع‌ام آمد و بی‌رحمانه با ضربه‌ای، بازوی دست راستش را شکست و بعد پا به فرار گذاشتند.این در حالی بود که شکستن بازوی پیرزن ۸۰ ساله توسط یکی از دزدان برای کارآگاهان عجیب به نظر می‌رسید و نشان می‌داد با ساکنان خانه ویلایی آشنایی داشته و از روی کینه و دشمنی دست به چنین عملی زده‌اند. به همین خاطر تحقیقات پلیسی از بستگان و آشنایان این زوج سالخورده آغاز شد.کارآگاهان در تحقیقات تکمیلی پی بردند پیرمرد صاحبخانه حدود دو سال پیش و پس از فوت همسر اولش ازدواج مجدد کرده و درواقع پیرزن دست‌شکسته همسر دوم او است.

پلیس آگاهی

تحقیقات برای شناسایی سارقان نقاب‌پوش همچنان در دستور کار قرار داشت تا اینکه ردیابی‌های پلیسی کارآگاهان موفق به شناسایی یکی از بستگان ساکنان خانه به نام «سعید.ع» (۲۲ ساله) به عنوان یکی از سارقان نقابدار شدند. محل سکونت سعید در کرج شناسایی شد و مأموران ۱۶ روز پس از سرقت او را دستگیر کردند. سعید ابتدا منکر هرگونه اطلاع از سرقت شد اما در ادامه تحقیقات اعتراف کرد که سرقت را به همراه یکی از بستگان نزدیک صاحبخانه به نام «ناصر.ن» (۲۲ ساله) انجام داده است، بلافاصله ناصر نیز شناسایی شد و پیرمرد صاحبخانه گفت که ناصر فرزند نوه‌اش یعنی نتیجه او است.با شناسایی محل سکونت ناصر در تهرانسر او نیز دستگیر و به پایگاه پنجم پلیس آگاهی تهران بزرگ منتقل شد.

کینه‌جویی انگیزه اصلی سرقت

ناصر درخصوص انگیزه سرقت و شکستن دست بانوی ۸۰ ساله به کارآگاهان گفت: پس از فوت مادربزرگم، پدربزرگم با زن دیگری یعنی همین پیرزن ازدواج کرد و همین موضوع باعث کینه به دل گرفتن من از این خانم شد و موقعی که از خانه پدربزرگ بیرون می‌رفتیم دستش را شکستم.سرهنگ کارآگاه احمد نجفی، رئیس پایگاه پنجم پلیس آگاهی تهران بزرگ با اعلام این ماجرا گفت: پس از تکمیل تحقیقات قرار قانونی از سوی بازپرس صادر شد و هر دو متهم بازداشت شدند.

دستگیری دزد سریالی داروخانه

گروه حوادث/ با تلاش کارآگاهان پلیس، اعضای باند حرفه‌ای سرقت داروهای گرانقیمت از یک داروخانه در مشهد شناسایی و دستگیر شدند.

به گزارش «ایران» سردار بهمن امیری مقدم فرمانده انتظامی استان خراسان رضوی، دراین باره گفت: چندی قبل و به دنبال اعلام شکایتی مبنی بر سرقت‌های سریالی داروهای گرانقیمت، موضوع در دستور کار پلیس آگاهی قرار گرفت. کارآگاهان پس از بررسی اظهارات مالک داروخانه و شواهد موجود به متصدی داروخانه مظنون شدند.

در تحقیقات از متصدی داروخانه مشخص شد که این شخص نقشی در سرقت‌ها نداشته اما با توجه به مستندات جدید کشف شده از محل سرقت به دوست این فرد که طی چند ماه گذشته به داروخانه رفت و آمدهای مشکوک داشت مظنون شده و با هماهنگی قضایی او را دستگیر کردند. متهم در بازجویی‌ها به سرقت‌های سریالی به ارزش حدود ۴ میلیارد ریال اعتراف کرد و گفت:داروهای گرانقیمت را به دو مالخر، فروخته است که آنها نیز دستگیر شدند.

خبر

شناسایی و تعقیب افسر پلیس پس از انتشار یک فیلم

گروه حوادث/ دفتر سخنگوی ناجا در مورد انتشار کلیپ رشوه‌گیری افسر پلیس از رانندگان در یکی از استان‌های کشور بیانیه‌ای صادر کرد. به گزارش «ایران» دراین بیانیه آمده است: نیروی انتظامی «مراقبت» از نحوه و شیوه برخورد کارکنان خویش را در شمار یکی از تکالیف و وظایف اساسی خود جای داده است. چه، این نیرو متولی انجام مأموریت‌هایی است که همگان آنها را در شمار «مأموریت‌های حمایتی» قرار می دهند.

برای این منظور پلیس همواره از ساز وکارهای نظارتی و مراقبتی ویژه‌ای بهره می گیرد تا از وقوع هر نوع لغزش رفتاری و خطای انضباطی و سازمانی جلوگیری کند یا در صورت وقوع بلافاصله به مداخله مؤثر در آن بپردازد.

افزون بر آن، نیروی انتظامی همواره نظارت‌های مردمی را نیز پراهمیت تلقی کرده و برای این منظور «سامانه ۱۹۷» را ایجاد کرده است. تا یکایک شهروندان مسئول از آن طریق؛ پلیس را در جریان نظرات خویش قرار دهند. اما با وجود تمام نظارت‌ها و مراقبت‌های درون و برون سازمانی، هراز چند گاهی لغزشی از سوی شمار بسیار قلیل و انگشت شماری از کارکنان چهره می نماید، که نه تنها ممکن است شماری از شهروندان را برنجاند، بلکه انبوه کارکنان خدوم، متعهد و وظیفه شناس

ناجا را نیز آزرده خاطر می‌سازد. از همین رو، پلیس هماره بر شدت نظارت‌ها و مراقبت‌های خود می‌افزاید تا مانع از وقوع لغزش‌هایی شود که چهره پاک و اخلاقی سازمان و کارکنان را ملکوک می‌سازد. متأسفانه اخیراً کلیپی در فضای مجازی منتشر شده که بیانگر رفتار نفرت‌انگیز یکی از مأموران در یکی از استان‌های کشور است.

در این خصوص ضروری است به اطلاع شهروندان محترم برساند که سازمان‌های نظارتی و مراقبتی پلیس حتی پیش از انتشار این کلیپ؛ فرد مذکور را شناسایی و پس از انجام تحقیقات، او را به مراجع قضایی تحویل و همزمان پرونده فرد خاطی در کمیسیون‌های داخلی ناجا در حال بررسی است.

بنابراین ما همچون همیشه یادآوری می کنیم که گرچه نرخ وقوع لغزش‌های رفتاری در سازمان پلیس بسیار قلیل است، اساساً ما این وقوع اندک را هم بر نمی تابیم و با خاطیانی که با رفتار خلاف خود شهروندان محترم را می رنجانند قاطعانه برخورد می‌کنیم.